

# «غرش، خیزش، شورش» برای رونق سالن

گفت‌وگو با دو کارشناس پخش فیلم درباره آغاز اکران یک فیلم هندی در سینماها از امروز



پاسر سماوات  
گفت‌وگو

«غرش، خیزش، شورش» نام فیلمی هندی است که قرار است از امروز مهمان سینماها باشد تا پس از مدت‌ها محصولی از بالیو در وی پر ده نفرهای جان بگیرد. اتفاقی که از بسیاری جهت می‌توان آن را مثبت ارزیابی کرد. در روزهایی که هیاهوی کرونا تمام شده اما به طور کامل هم نمی‌توان آن را دوران بساکرو و ناامنگذاری کرد. اکران یک فیلم خارجی در ایران، آن هم اثری که از رکورد داران افتتاحیه در سینمای هند و از فیلم‌های پرفروش دنیا در سال‌های اخیر بوده، به یقین در وهله نخست اتفاقی مسرت‌بخش برای رونق گیشه‌ها محسوب می‌شود. سینمای سرزمین ۷۲ ملت حالا چند دهه است با صنعت فیلمسازی بالیوود، به یکی از قطب‌های ساخت فیلم در کره خاکی بدل شده و بی‌گمان اثری که در نقدها از آن به شاهکار تعبیر شده، علاوه بر جذب مخاطب، از نظر گاه منتقدان هم این ظرفیت را دارد که به‌عنوان فیلمی نخبه‌پسند، در پوته نقد قرار گیرد. به هر حال در روزگاری که بیزش مخاطب از اصلی‌ترین دغدغه‌های سینمای ایران محسوب می‌شود، به نظر می‌توان به از تباط فیلمی از سینمای پرونق هند با مخاطب ایرانی - که در جهان هم با اقبال مواجه شده - خوشبین بود. روز نهم صبا در شماره امروز خود با التقات شگری آخر، کارشناس پیشکسوت توزیع فیلم و حبیب اسماعیلی، تهیه‌کننده و پخش‌کننده هم‌صحبت شده است. مشروح این دو گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

## التقات شگری آخر:

### اکران این فیلم را به فال نیک بگیریم

شاید یکی از عمده‌ترین دلایلی که تماشاگران را به ویژه در عصر انقلاب لکترونی به سینمای کشند، حس هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های جان گرفته در فیلم‌ها بود. بی‌گمان در دورانی که هنر هفتم در محصره رسانه‌های جمعی متعدد (به ویژه پس از ظهور پلتفرم‌ها و رونق شبکه‌های نمایش خانگی) قرار گرفته است، تنها فیلم‌های خاص می‌توانند دوباره سالن‌های خلی را دست کم نیمه پر کنند. حالا اگر این میان فیلمی از اقلیمی دیگر مجوز اکران بگیرد، ولو اینکه فیلم پرفروشی هم در سرسره جهان محسوب شود، به نظر باید مولفه‌هایی نزدیک به فرهنگ و باورهای مردم کشورمان را در متن و حاشیه خود داشته باشد. التقات شگری آخر، توزیع‌کننده نام‌آشنا و پیشکسوت فیلم‌های خارجی که از قضا بدولتی هم در توزیع فیلم‌های هندی در ایران داشته، در گفت‌وگو با روزنامه صبا در صورت وجود این مولفه‌ها تاکید کرد.

**از امروز فیلم «غرش، خیزش، شورش» مهمان سینمای ایران است. فکر می‌کنید این فیلم مورد توجه مخاطبان ایرانی قرار بگیرد؟**

بله، سینمای هند همیشه در ایران با اقبال روبرو شده است و اگر بخوایم از این اتفاق رمزگشایی کنیم به گذشته‌ها و پیوندهای عمیق فرهنگی، باستانی و اعتقادی بین مردم دو کشور ایران و شبه‌قاره می‌رسیم. پیوندهایی که حتی قبل از ظهور اسلام در دو کشور قابل تشخیص بوده‌اند. از این رو، مخاطب ایرانی، چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب، با دیدن فیلم‌های هندی به این ذهنیت می‌رسد که پیام این فیلم‌ها حرف دل او هم هست. این خاص روشنفکر هانبود، حتی مردم عادی هم با فیلم‌های هندی رابطه برقرار می‌کردند. برای نمونه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی که بخشی از دوران طلایی سینمای هند را در بر می‌گیرد، اغلب مخاطبان این فیلم‌ها در ایران، خانواده‌ها و مخاطبان باورمند بودند. دلیلش هم این است که هند، فیلم‌های باحیایی داشت.

**برخی معتقدند ورود فیلم‌های خارجی به جرخه اکران سینماهای کشور، ممکن است به بیکره اقتصادی سینمای ایران لطمه بزند. این نظر را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

به خاطر من دارم اوایل انقلاب که فیلم «شعل» (پاش راج‌پور) را از سینمای هند وارد کرده بودیم، چنین نظراتی وجود داشت و حتی یکی از دوستان تیتز زده بود «شعل فارابی سینمای ایران را سوزاند» لمانه آن سال‌ها چنین چیزی صحت داشت، نه حالا. معتقدم اگر فیلم خارجی در ایران بفرود، این اتفاق برای فیلم‌های ایرانی هم تکرار می‌شود. اگر فیلم خوبی تولید و اکران شود، مردم از آن استقبال می‌کنند. تماشاگران باسینما فکر نکرده‌اند.

**به نظر شما استقبال از فیلم‌های خارجی به صورت کلی و توجه به فیلم‌های هندی به صورت جزئی آیا نسبت به همان**

## دهه ۵۰ که اشاره کردید، دوران طلایی سینمای هند بود، تفاوت کرده است؟

فکر می‌کنم شما باید فیلم «فنون» را دیده باشید. این فیلم بارها از سینمای ایران پخش شد اما مردم علاقه زیادی به آن داشتند. بعد از انقلاب، فیلم‌های ایرانی پرفروش‌تر از فیلم‌های هندی شد اما این فیلم‌ها مخاطب خود را هرگز از دست ندادند. هر چند ناگزیر بخش‌هایی از این فیلم‌ها می‌شد و رقص و آواز که بخش مهمی از مقوله «فیلم هندی» را تشکیل می‌داد از آن‌ها حذف می‌شد. اما باز هم می‌دیدیم که سینمای هند طرفداران زیادی در ایران دارد. دلیل این اقبال هم همانطور که بیشتر به آن اشاره کردم، پیوندهایی بود که در باورها و فرهنگ دیرینه مردم این دو قلمرو دیده می‌شد. می‌دیدید که بسیاری از علوم اسلامی در زمان گورکانیان از ایران به شبه‌قاره هند رفت.

**اگر بخوایم از قرابت فرهنگی مردم ایران و هند صحبت کنیم، فکر نمی‌کنید دلیل بخشی از این نزدیکی هم استعمار بر برتانیای بود و اوضاع اسفباری که انگلیسی‌ها بر ایران و هند روا داشتند، باعث شد مردم این دو کشور بیشتر باهم احساس بگاتگی کنند؟**

خب من حرف شما را اینطور قبول ندارم. ببینید ما هیچ وقت مستعمره انگلیسی‌ها نبودیم. منبع کشور ایران اغلب منبعی بالقوه بودند اما در هند، منبع آن‌ها بالفعل بودند و همین موضوع باعث شد هند مستعمره بر برتانیای شود. این البته فقط خاص منابع ما و بحث استعمار این منبع بود اما درباره کارهایی که استعمار انگلیس با این دو کشور بلستانی کرد، اوضاع کمی یکسان بود. برای نمونه، اسپانیایی‌ها هر جامی رفتند با میس‌قور هاسعی در تغییر دین و آیین مردم سرزمین‌های اشغالی‌شان داشتند. انگلیسی‌ها اما سیاستی پلیده‌رندانه و مزورانه این کار را نامی کردند بلکه جای تغییر دین مردم، جنبه‌های خرافی آن را اشعه می‌دادند.

**خارج از بحث اقبال فیلم‌های هندی در ایران، واقعا راز موفقیت سینمای بالیوود چیست؟**

سوال خوبی است. ببینید برای نمونه فیلمی از آمریکا به هند می‌رود و فروش نمی‌کند اما زمانی که فیلمی هندی از روی همان فیلم ساخته می‌شود، استقبال عمومی را در پی دارد. دلیلش هم این بود که هندی‌ها فکر کردند و به جایی رسیدند که می‌دانند چطور سینمای خود را واکسینه کنند اما اگر بخوایم به علت اصلی موفقیت سینمای هند اشاره کنیم، باید بگوییم هند سینمایی قصه‌گو دارد. در هند افرادی که برای تماشای فیلم به سینمای می‌روند، برای تفریح این کار را نمی‌کنند. به عبارت بهتر، مردم در هند به سینمای می‌روند که خودشان و باورهایشان را ببینند. ما هم با این سینما و با این فرهنگ قرابتی داریم که بسیار جلب‌لب است.

**البته به نظر می‌رسد سینما و در واقع سینماگران هندی دغدغه‌های هم‌تایان ایرانی خود را ندارند...**

خب واقعا در هند شما نمی‌توانید جایی ببینید که مثلا دولت بر تولید فیلم نظارت کند. با وجود این در آثار سینمای هند خط مشی دولت این کشور هم دیده می‌شود، که این بازمهم مختص هندی‌هاست. در ایالات متحده، برخی فیلمسازان ذهنیت مردم را برای ۱۰ سال بعد آماده می‌کنند شما حتما دیده‌اید که در بسیاری از فیلم‌های جنگی آمریکایی، ارتش ایالات متحده وارد عمل می‌شود و جنگ را با موفقیت به پایان می‌رساند. اما در سینمای هند این چیزا دیده نمی‌شود.

**ولی به نظر من به تازگی در برخی فیلم‌های هندی، حملات ارتش هند به سرحدات پاکستان توجیه شده و برای نمونه در فیلم «سرگرد» اصلا این حملات تقدیس هم می‌شوند!**

ببینید مقوله پاکستان و مناقشات بین هند و این کشور، بحث جداگانه‌ای دارد ولی من از کشوری با تاریخ پنج هزار ساله صحبت می‌کنم. طی این پنج هزار سال، هیچوقت هندی‌ها به کشور دیگری حمله نکردند. در باره آنچه گفتید باید توضیح دهم در هند هم گروه‌های افراطی وجود دارند که علیه مسلمانان دست به اقدامات سازمان‌یافته می‌زنند اما ۲۵ درصد مردم هند را مسلمانان تشکیل می‌دهند و دولت ناگزیر است که به قول معروف هوای این بخش عظیم از جمعیت شبه‌قاره را داشته باشد. چه برای انتخابات چه برای مقوله‌های دیگر. به هر ترتیب ماجرای هند و پاکستان و کشمیر و ... داستان دیگری دارد.

**یعنی برای وارد کردن یک فیلم، باید ملاحظاتی سیاسی حاکم بر روابط کشورها را مدنظر داشت؟**

بله، به یقین همینطور است. یاد می‌آید ما در صد بودیم اوایل انقلاب فیلم «گاندی» (ریچارد آتنبرو) را خریداری کنیم اما متوجه شدیم در آن فیلم از محمدعلی جناح تصویر نادرستی ارائه شده است. از آنجا که ما رولپط حسنه‌ای هم با هند، هم با پاکستان داشتیم از خرید این فیلم صرف‌نظر کردیم. البته بعدها این فیلم دوبله شد ولی ما آن را نخریدیم.

**یکی دیگر از ویژگی‌های سینمای هند، برهیز از تکرار و**